

بازنمایی قدرت سیاسی در معماری و تزئینات دروازه‌های تهران دوره ناصری



• نگار صادقی *

چکیده

دروازه‌های شهری، در ایران، عمدتاً بخشی از سامانه دفاعی و کنترلی شهرها بودند و کارکردی امنیتی و نظارتی داشتند. با این همه، در تهران دوره ناصری، دروازه‌ها از عناصری صرفاً حفاظتی، به بناهایی شاخص با معماری، کاشی‌کاری، کتیبه‌ها، تصاویر حماسی و میل‌های تزئینی بدل شدند. این مقاله می‌کوشد با تکیه بر نظریه تولید فضای هانری لوفور و رویکرد نشانه‌شناسی معماری امبرتو اکو، نشان دهد که این تحول کالبدی، بازتاب‌دهنده گذار دروازه از عنصری کارکردی به رسانه‌ای برای بازنمایی قدرت سیاسی و سلطنتی بوده است. یافته‌های این پژوهش، که با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه اسنادی-تطبیقی نقشه‌ها و تصاویر تاریخی به‌دست آمده است، نشان می‌دهد که قدرت در دروازه‌های ناصری، از طریق پنج مؤلفه قابل مشاهده (کنترل، مکان، معماری، تصویر، و تمایزگذاری میان دروازه‌ها) بازنمایی می‌شده است. بر این اساس، دروازه دیگر صرفاً نشانگر مرز میان درون و بیرون شهر نبود، بلکه اعلامی بصری از ورود به پایتخت سلطنتی ایران محسوب می‌شد.

واژگان کلیدی: بازنمایی قدرت، دروازه‌های تهران، دوره ناصری، تولید فضا، نشانه‌شناسی معماری.

۱. مقدمه

دروازه‌های شهرهای تاریخی ایران، در آغاز به دلایل حفاظتی، نظامی و امنیتی ایجاد شدند و تا پایان دوره قاجار، عنصری ضروری و ارتباطی در حصار و برج و باروی شهرها به شمار می‌رفتند. ایجاد حریم میان درون و بیرون شهر، نیازمند ساختاری سازه‌ای و معماری در پیرامون شهر بود؛ به همین دلیل، حصار به عنوان مرز فیزیکی شهر شکل گرفت. دروازه نیز به مرور زمان، به عنوان جزئی از این حصار و در پیوند با دیگر اجزای آن، بر حسب نیازها و شرایط هر دوره در کالبد معماری شهر ظاهر شد؛ نیازها و شرایطی که به صورت آشکار و پنهان بر شکل‌گیری معماری دروازه‌ها در هر دوره تأثیر می‌گذاشتند.^۱

نام تهران برای نخستین بار در یکی از نوشته‌های تنودوسیوس یونانی، در حدود اواخر سده دوم پیش از میلاد، به عنوان یکی از توابع ری ذکر شده، و قدیمی‌ترین سند فارسی درباره این شهر نشان می‌دهد که روستای تهران پیش از سده سوم هجری قمری وجود داشته است. تا سال ۹۶۱ هجری قمری، شاه تهماسب صفوی، حصاری با ۱۱۴ برج (به تعداد سوره‌های قرآن مجید) و ۴ دروازه پیرامون روستای تهران ایجاد کرد که بعدها به نام «حصار تهماسبی» معروف شد و تدریجاً شهر تهران با چهار محله، به نام‌های عودلاجان، سنگلج، چال میدان و بازار، شکل گرفت و ارگ سلطنتی نیز بخشی از شهر را تشکیل داد. در اوایل دوره قاجاریه، دو دروازه دیگر به نام‌های دولت و محمدیه به این حصار افزوده شد. در سال ۱۲۰۰ قمری، آغامحمدخان در تهران بر تخت نشست و تهران رسماً پایتخت کشور شد؛ به دنبال آن، در سال ۱۲۸۴ قمری، در عهد ناصرالدین‌شاه، حصار جدیدی به شکل هشت ضلعی با دوازده دروازه احداث شد که به «حصار ناصری» شهرت یافت.^۲

۱- آییلار جوادپور، احد نژادابراهیمی، و حامد بیٹی، «معماری دروازه در استحکامات دفاعی برج و باروی شهرهای ایران»

۲- وحید قبادیان؛ معماری در دارالخلافة ناصری؛ سنت و تجدد در معماری معاصر تهران، صص ۵۸-۶۰

شهرهای ایران در دوره قاجار، در پی تحولات اقتصادی و اجتماعی این دوره، به تدریج گسترش یافتند و رشد شهرنشینی، به ویژه در تهران، موجب شد که این شهر به یکی از مراکز مهم مبادله کالا و خدمات تبدیل شود. به نظر می‌رسد، رونق فعالیت‌های بازرگانی، در شکل‌گیری و سازمان‌یابی ساختار فضایی شهر نیز نقش مؤثری داشته است؛ به گونه‌ای که مسیرهای اصلی ارتباطی شهر و محل استقرار دروازه‌ها، تا حد زیادی متأثر از جریان رفت‌وآمد و جابه‌جایی کالاها و افراد بوده است. از این منظر، می‌توان ساختار حرکتی شهرهای قاجاری را همچون نظامی خطی در نظر گرفت که دروازه‌ها را به عنوان نقاط ورود و خروج، از طریق محورهای اصلی به یکدیگر و یا به مرکز اقتصادی شهر، یعنی بازار، مرتبط می‌کرد. با گسترش شهر و تثبیت جایگاه تهران به عنوان پایتخت، پرسشی که این پژوهش در پی پاسخ به آن است شکل می‌گیرد: چرا دروازه‌هایی که در ابتدا کارکردی صرفاً دفاعی و کنترلی داشتند، در دوره ناصری به بناهایی با معماری شاخص، کاشی‌کاری، تصاویر حماسی، کتیبه‌ها، میل و عناصر تزئینی بدل شدند؟ و پرسش مهم‌تر آن‌که، این تزئینات چه چیزی را بازنمایی می‌کردند؟ به بیان دیگر، در تهران صفوی، دروازه عمدتاً بخشی از سامانه دفاعی شهر بود، اما در تهران ناصری این شرایط تغییر کرد؛ دروازه دیگر تنها این پیام را منتقل نمی‌کرد که «از اینجا وارد شهر می‌شوید»، بلکه می‌توانست بگوید: «شما وارد پایتخت سلطنتی ایران می‌شوید».

پژوهش‌های پیشین درباره دروازه‌های تهران، عمدتاً بر ابعاد کالبدی، موقعیت مکانی و سیر تحول دفاعی این بناها متمرکز بوده‌اند^۳، یا به شناسایی و مستندسازی تزئینات کاشی‌کاری دروازه‌ها پرداخته‌اند.^۴ آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، تحلیل نظام‌مند این تزئینات به مثابه رسانه‌ای برای بازنمایی قدرت سیاسی و

۳-مانند: هاله حاج‌یاسینی و محمود ارژمند؛ «دروازه‌های تهران در حصار تهماسبی» و آیلار جوادپور، احد نژادابراهیمی، و حامد بیٹی؛ «معماری دروازه در استحکامات دفاعی برج و باروی شهرهای ایران»

۴-فاطمه ذوالفقاری و مه‌رمان هوشیار؛ «تأثیر فرهنگی-اجتماعی کاشی‌نگاره‌های دروازه‌ها و سردهای عصر قاجار تهران»

سلطنتی، در چارچوب نظری تولید فضا و نشانه‌شناسی معماری است؛ خلأیی که این پژوهش می‌کوشد بخشی از آن را پر کند. بر این اساس، هدف این مقاله بررسی چگونگی بازنمایی قدرت سیاسی در معماری و تزئینات دروازه‌های تهران دوره ناصری است.

۱-۱. نظریه تولید فضا (هانری لوفور)

این پژوهش، برای تحلیل چگونگی شکل‌گیری معنا و قدرت در فضای شهری تهران دوره ناصری، از نظریه «تولید فضا» هانری لوفور بهره می‌گیرد؛ نظریه‌ای که فضا را نه امری خنثی و از پیش موجود، بلکه محصول روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌داند.^۵ بر اساس این چارچوب، فضای شهری تهران را می‌توان در سه سطح بررسی کرد.

- **فضای ادراک‌شده:** ابعاد واقعی و کالبدی شهر؛ شامل حصار، خیابان، دروازه، محور، بازار، ارگ و محله.
- **فضای تصورشده:** فضایی که حکومت و برنامه‌ریزان برای شهر تعریف می‌کنند؛ مفاهیمی چون پایتخت، دارالخلافه، نظم شهری، محورهای ارتباطی، تقسیم‌بندی شهری و جایگاه دروازه‌ها.
- **فضای زیسته:** معنایی که گروه‌های مختلف مردم از این فضا دریافت می‌کردند؛ از جمله: تجربه ورود زائر، ورود بازرگان، ورود سفیر، خروج شاه به شکارگاه یا ورود مسافر خارجی.

کاربست این چارچوب درباره دروازه‌های تهران ناصری نشان می‌دهد که دروازه، در همان حال که عنصری کالبدی در حصار شهر بود (فضای ادراک‌شده)، بازتاب‌دهنده نظم و ادعای سیاسی حکومت مرکزی نیز بود (فضای تصورشده) و در تجربه روزمره کاربران گوناگون خود، معنایی زیسته و متکثر می‌یافت (فضای زیسته).

۲-۱. نشانه‌شناسی معماری (امبرتو اکو)

در کنار چارچوب لوفور، این پژوهش از رویکرد نشانه‌شناختی امبرتو اکو به معماری نیز بهره می‌گیرد. از دیدگاه اکو، عناصر معماری، فارغ از کارکرد عملی خود، همواره واجد بار راهنمایی و ارتباطی نیز هستند و می‌توان آن‌ها را همچون نشانه خواند. بر این مبنا، عناصری چون نگاره رستم و دیو سپید، کتیبه‌ها، کاشی‌کاری، رنگ‌ها، میل‌ها، سنتوری و نقوش مذهبی در دروازه‌های تهران ناصری را نمی‌توان صرفاً تزئیناتی فرمی و زیبایی‌شناختی دانست، بلکه باید آن‌ها را به عنوان نشانه‌هایی تحلیل کرد که پیامی سیاسی، مذهبی یا فرهنگی را به فضای عمومی شهر منتقل می‌کردند.



امبرتو اکو

هانری لوفور

۲. روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های پژوهش از طریق بررسی منابع تاریخی، نقشه‌های برجای مانده از حصار تهماسبی و ناصری (نقشه کرشیش و نقشه عبدالغفار نجم‌الملک) و تصاویر و اسناد تصویری دروازه‌های تهران گردآوری شده و سپس،

بر اساس چارچوب نظری تولید فضای لوفور و نشانه‌شناسی معماری اکو تحلیل شده‌اند. در این تحلیل، پنج مؤلفه قابل مشاهده قدرت، کنترل، مکان، معماری، تصویر، و تمایزگذاری، به عنوان مبنای بررسی تطبیقی دروازه‌های دوازده‌گانه حصار ناصری به کار گرفته شده است.

مؤلفه‌های قابل مشاهده قدرت در دروازه:

برای تحلیل بازنمایی قدرت سیاسی در دروازه‌های تهران ناصری، لازم است قدرت (که مفهومی انتزاعی است) به مؤلفه‌هایی قابل مشاهده و قابل ردیابی در کالبد معماری تبدیل شود. بر این اساس، پنج مؤلفه به‌عنوان چارچوب تحلیلی این پژوهش در نظر گرفته شده است:

- قدرت از طریق کنترل: محل کنترل ورود و خروج، بسته شدن دروازه در شب، حضور مأموران، اخذ عوارض و کنترل مسافر و کالا.
- قدرت از طریق مکان: مجاورت با ارگ، مجاورت با باغ‌های سلطنتی، قرارگیری در محورهای مهم، اتصال به بازار و اتصال به شکارگاه سلطنتی.
- قدرت از طریق معماری: ارتفاع بنا، پیش‌طاق، میل‌ها، سنتوری، تقارن، دهانه ورودی و جلوخان.
- قدرت از طریق تصویر: کاشی‌کاری، کتیبه، نقوش حماسی، مضامین مذهبی، نقوش هندسی و رنگ.
- قدرت از طریق تمایزگذاری: نابرابری در شکوه دروازه‌ها، متناسب با جایگاه کارکردی هر یک.

این پنج مؤلفه در ادامه مقاله، مبنای بررسی و مقایسه دروازه‌های دوازده‌گانه حصار ناصری قرار می‌گیرد.

۳. دروازه‌های تهران: از حصار تهماسبی تا حصار ناصری

۳-۱. دروازه‌های حصار تهماسبی و تحول کارکرد آن‌ها

بررسی دروازه‌های حصار تهماسبی نشان می‌دهد که ساختار کالبدی این بناها تا حد زیادی تابع نقش دفاعی حصار شهر بوده است. از آنجا که تهران در این دوره با هدف تأمین امنیت و مقابله با تهدیدهای نظامی در میان برج و بارو محصور شده بود، دروازه‌ها نیز بیش از آنکه بر جنبه‌های تزئینی تأکید داشته باشند، بر استحکام، کنترل و نظارت بر ورود و خروج متمرکز بودند. بنابراین، می‌توان دروازه‌های این دوره را بخشی از نظام دفاعی شهر دانست که در مرز میان فضای درون و بیرون قرار می‌گرفتند.

در عهد شاه تهماسب، چهار دروازه اصلی در چهار جهت شهر قرار داشتند: دروازه شاه عبدالعظیم در جنوب، شمیران در شمال، قزوین در غرب و دولاب در شرق. این آرایش نشان می‌دهد که دروازه‌ها علاوه بر نقش دفاعی، در سازمان‌دهی ارتباط تهران با مسیرهای پیرامونی نیز نقش داشتند.

با گذشت زمان و تغییر شرایط سیاسی، ساختار دروازه‌های تهران نیز دستخوش تغییر شد. برای نمونه، ایجاد دروازه اسدالدوله در شمال ارگ سلطنتی در دوره حضور افغان‌ها را می‌توان حاصل شرایط امنیتی و نظامی آن دوره دانست؛ دروازه‌ای که بعدها به دروازه دولت شهرت یافت. این نمونه نشان می‌دهد که دروازه‌های تهران صرفاً عناصر ثابت کالبدی نبودند، بلکه در واکنش به تحولات سیاسی و نیازهای امنیتی شهر شکل می‌گرفتند.

در دوره قاجار نیز ایجاد دروازه محمدیه در باروی تهماسبی، که بعدها به دروازه‌های موجود افزوده شد، بیانگر تداوم و گسترش ساختار ارتباطی شهر است. قرارگیری این دروازه در جنوب غربی تهران و ارتباط آن میان محله‌های بازار و سنگلج با خارج از حصار، اهمیت آن را در شبکه ارتباطی شهر نشان می‌دهد. بقای دروازه محمدیه را می‌توان از این منظر ارزشمند دانست که امکان مطالعه بخشی از ساختار تاریخی و تحول تدریجی نظام ورودی‌های تهران را تا امروز

فراهم کرده است. در مجموع، تحول این دروازه‌ها نشان می‌دهد که کارکرد دروازه‌های تهران، از یک عنصر صرفاً دفاعی به عنصری چندوجهی در ساختار شهری تبدیل شد؛ عنصری که هم‌زمان نقش امنیتی، ارتباطی و در مراحل بعدی، نقش بصری و نمادین نیز پیدا کرد.



دروازه نو یا محمدیه



وضعیت فعلی دروازه محمدیه^۷

انتخاب تهران به عنوان پایتخت قاجاریان را می‌توان حاصل موقعیت جغرافیایی و راهبردی آن دانست؛ از یک سو، نزدیکی به اراضی حاصل‌خیز ری و ورامین، و از سوی دیگر، دسترسی به مناطق استقرار ایلات و نیروهای نظامی قاجار، این شهر را به گزینه‌ای مناسب برای پایتخت حکومت تازه تأسیس قاجار تبدیل می‌کرد.

۷- حاج‌پاسینی، هاله؛ ارژمند، محمود، «دروازه‌های تهران در حصار تهماسبی»، ص ۱۲۳

با تثبیت حکومت قاجار و توسعه تهران، ساخت بناهای عمومی و حکومتی نیز افزایش یافت و ساختار شهر به تدریج گسترش پیدا کرد. در این میان، به نظر می‌رسد، تثبیت سیاسی حکومت و تغییر شرایط امنیتی شهر، موجب کاهش تدریجی نقش دفاعی دروازه‌ها شد. این تغییر را می‌توان در تحول کالبدی دروازه‌ها مشاهده کرد؛ به گونه‌ای که برج‌های دروازه دولت ارگ نسبت به دروازه‌های اصلی شهر ابعاد کوچک‌تری داشتند و در ساخت دروازه محمدیه، برج‌های دفاعی به‌طور کامل حذف شدند. بنابراین، می‌توان این روند را نشانه‌ای از گذار تدریجی دروازه‌های تهران از عناصر نظامی و دفاعی به عناصر ارتباطی و شهری دانست.



شکل تقریبی دروازه‌های حصار تهماسبی^۸

۲-۳. حصار ناصری و بازتعریف فضای شهری تهران

پس از به سلطنت رسیدن ناصرالدین‌شاه، تهران تا حدود یک دهه، محصور به حصار تهماسبی بود، اما پس از آن، شهر دیگر نمی‌توانست در حصار کوچک

۸- حاج‌یاسینی، هاله؛ ارژمند، محمود، «دروازه‌های تهران در حصار تهماسبی»، ص ۱۲۶

تهماسبی باقی بماند؛ از این رو، به دستور شاه، در بیستمین سال حکومتش، تهران گسترش یافت و حصار قدیمی تخریب و حصار جدیدی بنا گردید. در این تاریخ، تمام برج و باروهای سابق تهران خراب شده، خندق قدیمی پر شد و خندق تهران، به صورت هشت ضلعی، ساخته شد.^۹

در نقشه عبدالغفار، تهران در محدوده حصار ناصری ترسیم شده و حصار تهماسبی جای خود را به خیابان‌های جدید داده است. مقایسه بافت قدیم و جدید نشان می‌دهد که بخش قدیمی همچنان متراکم و دارای گذرهای باریک و نامنظم بوده، در حالی که بافت جدید، به ویژه محله دولت، با تراکم کمتر و خیابان‌های مستقیم و عریض شکل گرفته است.

هم‌زمانی این تحولات با جریان‌های جدید شهرسازی اروپایی و شباهت‌هایی میان سازمان فضایی تهران جدید و برخی الگوهای نوسازی اروپایی، زمینه طرح فرضیه تأثیرپذیری از الگوهای شهرسازی اروپا را فراهم می‌کند؛ با این حال، برای اثبات تأثیر مستقیم الگوی هوسمانی^{۱۰} بر طرح حصار ناصری، شواهد مستند کافی در دست نیست. با توجه به حضور ژنرال بوهلر، استاد فرانسوی دارالفنون، و همکاری مهندسان ایرانی در طراحی دارالخلافه، می‌توان احتمال داد که الگوهای جدید شهرسازی اروپایی، به ویژه فرانسه، در شکل‌گیری بافت جدید تهران بی‌تأثیر نبوده‌اند.^{۱۱}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۹- کیانوش معتقدی؛ دروازه‌های طهران قدیم، ص ۱۹

۱۰- Georges Eugene Haussmann- طراح شهری مشهور فرانسوی است که به خاطر طرح نوسازی پاریس مشهور است.

۱۱- وحید قبادیان؛ معماری در دارالخلافه ناصری؛ سنت و تجدد در معماری معاصر تهران، صص ۱۰۴-۱۰۵



نقشه دارالخلافه ناصری، ترسیم عبدالغفار نجم الملک بین سال‌های ۱۳۰۹-۱۲۸۵ ه.ق.

به این ترتیب، حصار هشت ضلعی با دوازده دروازه به نام‌های یوسف‌آباد، دولت، شمیران، دوشان‌تپه، خراسان، دولاب، شاه‌عبدالعظیم، غار، قزوین، باغ‌شاه، خانی‌آباد و گمرک شکل گرفت.



تطبیق محل قرارگیری دروازه‌های هر دو حصار، برگرفته از نقشه کرشیش (حصار تهماسبی) و عبدالغفار (حصار ناصری).^{۱۲}

۴. دروازه‌های تهران ناصری: کارکرد، مکان و قدرت

نخستین بار به دستور شاه تهماسب صفوی بارویی گرداگرد تهران ساخته شد. نزدیکی تهران به پایتخت آن زمان، یعنی قزوین، وجود شکارگاه‌های مناسب همراه با دار و درخت بسیار و همچنین نزدیکی به حرم حضرت حمزه^{۱۳}، که صفویان او

۱۲- فاطمه ذوالفقاری و مهران هوشیار؛ «تأثیر فرهنگی-اجتماعی کاشی‌نگاره‌های دروازه‌ها و

سردهای عصر قاجار تهران»، ص ۲۲

۱۳- حمزه بن موسی از فرزندان امام هفتم شیعیان موسی کاظم (ع) و برادر امام هشتم شیعیان

را نیای خود می دانستند، توجه شاه تهماسب را به این شهر برانگیخت، به گونه‌ای که اقدام به صدور فرمان احداث حصار تهران کرد.^{۱۴}

وجود حصار و دروازه‌ها در اطراف شهرهای ایران همواره عامل مهمی برای کنترل رفت و آمد مردم و هم‌چنین وصول عوارض و مالیات بوده است. سابقه ساخت قدیمی‌ترین حصار، برج و بارو و دروازه در تهران به سده دهم هجری بازمی‌گردد؛ اما پس از انقراض دولت صفویه و در روزگار افشاریه و زندیه، به دلیل درگیری‌ها و جنگ‌های متوالی، توجهی به حصار و دروازه‌های شهر تهران نشد و به مرور رو به خرابی رفتند. حصار صفوی همان حصار زندیه است و با آغاز سلطنت قاجار، و مشخصاً با روی کار آمدن فتحعلی‌شاه، تعمیراتی در آن به عمل آمد و تعداد این دروازه‌ها به شش عدد رسید و سپس در عهد ناصری شمار آن به دوازده افزایش یافت.^{۱۵}

پیش از پرداختن تفصیلی به هر دروازه، لازم است یادآوری شود که در معماری دوره قاجار، ورودی‌ها صرفاً عنصری برای دسترسی به بنا نبودند، بلکه در بسیاری از موارد، بخشی از بیان معماری و نمایش اهمیت و جایگاه بنا محسوب می‌شدند؛ در شهرهای بزرگ و به ویژه مراکز ایالتی و پایتخت‌های ایران، معمولاً ساختمان دیوانی از ساختمان‌های سکونتگاهی متمایز بود و خصوصیات فضای ورودی هر کاخ با خصوصیات کالبدی آن متناسب بوده است.^{۱۶} دروازه‌های کاخ‌ها و فضاهای سلطنتی نیز با بهره‌گیری از آجرکاری، کاشی‌کاری و گچ‌بری، جلوه‌ای متمایز می‌یافتند و همین رویکرد، با شدت و پیچیدگی کمتر، در ورودی خانه‌های اشرافی و تجار نیز بازتاب می‌یافت.

در این میان، دروازه‌های شهری از ویژگی متفاوتی برخوردار بودند؛ زیرا برخلاف

علی بن موسی الرضا(ع) می‌باشد که آرامگاه او در کنار مرقد شاه عبدالعظیم(ع) قرار دارد. پادشاهان صفویه خود را از اولاد او می‌دانستند و در زمان سلطنت خود به آن توجه زیادی داشته‌اند و شاه تهماسب صفوی، برای او بقعه و گنبد ساخت.

۱۴- کیانوش معتقدی؛ دروازه‌های طهران قدیم، ص ۲۴

۱۵- همان، ص ۱۵

۱۶- حسین سلطانزاده؛ فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، ص ۵۴

ورودی بناها که عمدتاً بر یک نمای مشخص تأکید داشتند، دروازه‌های شهر از هر دو سو دارای نقش ورودی و خروجی بودند و تزئین هر دو جبهه داخلی و خارجی آن‌ها را می‌توان متناسب با همین کارکرد دوگانه دانست. از سوی دیگر، ارتفاع بیشتر این بناها نسبت به سطوح و حجم‌های پیرامون موجب می‌شد دروازه از محیط اطراف خود متمایز شود و به عنوان یک عنصر شاخص در سیمای شهری قابل تشخیص باشد. این تفاوت ارتفاعی را می‌توان، علاوه بر یک ویژگی کالبدی، نوعی تمهید برای تأکید بر اهمیت و جایگاه دروازه در ساختار شهر دانست. ایجاد جلوخان، پیش‌طاق و در برخی موارد هشتی، به ورودی دروازه کیفیتی فراتر از یک مسیر عبور ساده می‌بخشید و آن را به فضایی واسط میان بیرون و درون شهر تبدیل می‌کرد. همچنین، وجود اتاق‌هایی در بخش فوقانی برخی دروازه‌ها نشان می‌دهد که این بناها، افزون بر نقش ارتباطی، واجد کارکردهای فضایی و عملکردی دیگری نیز بوده‌اند. سردر باغ ملی، که از معدود نمونه‌های برجای مانده از دروازه‌های دوره قاجار است، می‌تواند شاهدی برای درک این ویژگی در معماری ورودی‌های شهری این دوره باشد.

در مجموع، می‌توان گفت، دروازه‌های تهران قاجاری در پیوند میان کارکرد، ساختار شهری و بیان معماری شکل گرفته بودند؛ به این معنا که از یک سو در نظام حرکت و ارتباطات شهر نقش داشتند و از سوی دیگر، از طریق ارتفاع، سازمان فضایی و تزئینات، جایگاه و اهمیت خود را در منظر شهری به نمایش می‌گذاشتند. به همین دلیل، دروازه را نمی‌توان صرفاً عنصری برای ورود و خروج از شهر دانست؛ بلکه این بناها را می‌توان بخشی از ساز و کار بصری و نمادین شهر قاجاری در نظر گرفت.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای هر فضای ورودی، تأمین ارتباط بین فضای داخلی و فضای بیرونی یک مجموعه یا شهر است؛ بنابراین، دروازه‌های ورودی از لحاظ ماهیت کارکردی، فضایی ارتباطی به شمار می‌آیند. هم‌چنین، ایجاد ارتباط بین یک فضای محور (هم‌چون شهر) با محیط پیرامون (حاشیه شهر و دیگر شهرها) تابع ملاحظات و سلسله‌مراتب کارکردی و اجتماعی متعددی است. به همین خاطر، دروازه‌ها در حصار شهر ساخته شدند و بیرون آن‌ها معمولاً یک پل آجری

بر روی خندق ساخته شده بود که شهر را به فضای بیرون پیوند می داد. در دوره قاجار، شب هنگام دروازه‌ها را می بستند و گروهی مستحفظ که شمارشان به پنجاه نفر می رسید، در برج‌های دو طرف دروازه از آن حفاظت می کردند و تا صبح کشیک می دادند.^{۱۷}

۴-۱. دروازه‌های سلطنتی و تشریفاتی: دولت، دوشان تپه، باغ‌شاه و شمیران

الف) دروازه دولت را می توان از شاخص ترین ورودی های تهران دوره ناصری دانست که جایگاه آن در نزدیکی باغ های سلطنتی و در امتداد یکی از مهم ترین خیابان های دارالخلافه، بر اهمیت شهری و تشریفاتی آن می افزود. این اهمیت در معماری بنا نیز بازتاب یافته و برخلاف دروازه های صرفاً دفاعی، تزئینات و جلوه بصری نقش پررنگی در طراحی آن داشته است. از مهم ترین ویژگی های معماری این دروازه، سنتوری مطبق، کاشی کاری هفت رنگ و چهار میل افراشته در بخش فوقانی بناست. این میل ها علاوه بر نقش سازه ای و کمک به جلوگیری از رانش دهانه، با تأکید بر کشیدگی افقی بنا، به ترکیب بندی و شکوه ظاهری آن نیز کمک می کردند. در بخش بالای درگاه نیز نگاره رزمی - حماسی رستم و دیو سپید بر روی کاشی های هفت رنگ اجرا شده بود که نشان دهنده پیوند میان تزئینات معماری قاجاری و مضامین حماسی و هویت ایرانی است. همچنین، وجود دو دروازه با نام «دروازه دولت» در تهران ناصری، یکی در شمال دارالخلافه و دیگری در محدوده ارگ، سبب شده است که در برخی منابع این دو بنا با یکدیگر اشتباه شوند. این موضوع نشان می دهد که شناخت دقیق موقعیت، ساختار و ویژگی های معماری هر یک از دروازه ها برای بررسی تحولات کالبدی تهران قاجاری اهمیت دارد.



دروازه دولت تهران دوره قاجار

ب) دروازه دوشان تپه در شمال شرقی دارالخلافه ناصری و در محله دولت قرار داشت و مهم ترین مسیر دسترسی به شکارگاه سلطنتی دوشان تپه بود؛ از این رو، می توان آن را «دروازه شکار» نامید. اهمیت این مسیر به سبب رفت و آمد مکرر شاه و ملازمانش، به این دروازه جایگاهی ویژه و تشریفاتی می بخشید. از نظر معماری، سردر دروازه دارای سنتوری مطبق مانند بود و در دو سوی آن چهار میل افراشته قرار داشت. این عناصر، علاوه بر تأکید بر ورودی، به بنا حالتی باشکوه و شاخص می دادند. شباهت تزئینات آن به دروازه دولت نشان می دهد که سنتوری مطبق و میل های جانبی از عناصر مهم در طراحی و هویت بصری دروازه های تهران ناصری بوده اند.



دروازه دوشان تپه تهران دوره قاجار

ج) دروازهٔ باغ‌شاه در بالادست سنگلج و در محلهٔ دولت قرار داشت و از طریق خیابان باغ‌شاه به اراضی وزیر، خیابان امیریه و در نهایت میدان توپخانه متصل می‌شد. از این رو، این دروازه بخشی از یکی از محورهای مهم ارتباطی غرب تهران به شمار می‌آمد و در پیوند میان حاشیهٔ شهر و مرکز دارالخلافه نقش داشت؛ مجاورت آن با محلهٔ دولت و ارتباط مستقیمش با میدان توپخانه-از فضاهای شاخص دارالخلافه-بر جایگاه تشریفاتی این دروازه در ساختار شهری تأکید می‌کند.

د) دروازهٔ شمیران در بخش شمالی دارالخلافهٔ ناصری و در محلهٔ دولت، در محدوده‌ای نزدیک به پارک امین‌الدوله و خیابان نظامیه قرار داشت و یکی از ورودی‌های مهم شهر به شمار می‌رفت. از نظر معماری، این دروازه از نمونه‌های شاخص و زیبای دروازه‌های تهران بود. در ساختار آن، میل‌های تزئینی نقش برجسته‌ای داشتند؛ به گونه‌ای که دو میل در سمت داخلی و چهار میل در نمای بیرونی دیده می‌شد. نمای بیرونی نیز با کاشی‌کاری سنتوری مطبق آراسته شده بود که جلوه‌ای شاخص و باشکوه به بنا می‌بخشید. تفاوت میان تزئینات نمای بیرونی و درونی نشان می‌دهد که در معماری دروازه‌های تهران، نمای بیرونی و جلوهٔ بنا از منظر ورود به شهر اهمیت بیشتری داشته است و تزئینات در این بخش با تأکید بیشتری به کار می‌رفته‌اند. از این منظر، دروازهٔ شمیران را می‌توان نمونه‌ای از پیوند کارکرد ورودی شهری با نمایش زیبایی و شکوه معماری در تهران ناصری دانست؛ ویژگی‌ای که آن را، در کنار دروازه‌های دولت و دوشان‌تپه، در زمرهٔ دروازه‌های با بار تشریفاتی بالا قرار می‌دهد.



دروازهٔ شمیران تهران دورهٔ قاجار

۲-۴. دروازه‌های مذهبی: شاه‌عبدالعظیم و خراسان

(الف) دروازه شاه‌عبدالعظیم در جنوب چال‌میدان قرار داشت و به دلیل ارتباط با مسیر زیارتی شاه‌عبدالعظیم (ع)، از پرتددترین و مهم‌ترین دروازه‌های مذهبی تهران به شمار می‌رفت. اهمیت مذهبی این دروازه در معماری و تزئینات آن نیز بازتاب یافته بود. نمای دروازه با نقوش گیاهی و اسلیمی، کتیبه‌های کوفی بنایی و کاشی معقلی آراسته شده بود. همچنین، اطراف ورودی‌ها با کاشی‌های هفت‌رنگ پوشیده می‌شد که دارای نقوش درهم‌تنیده و هندسی بودند. این ترکیب تزئینی، در کنار جلوه بصری بنا، بر هویت دینی و زیارتی دروازه تأکید می‌کرد.



دروازه شاه‌عبدالعظیم تهران دوره قاجار

(ب) دروازه خراسان در جنوب شرقی دارالخلافه ناصری و در محله چال‌میدان قرار داشت و مسیر ورود زائرانی بود که از راه سمنان به تهران می‌رسیدند. از این رو، این دروازه علاوه بر کارکرد شهری، هویتی مذهبی و زیارتی نیز داشت. از نظر معماری، نمای بیرونی دروازه با الگویی مشابه دروازه شاه‌عبدالعظیم طراحی شده بود و جلوه‌ای مذهبی داشت. بدنه آن با کاشی‌کاری‌های رنگارنگ و خطوط بنایی تزئین می‌شد. در بخش فوقانی نیز سنتوری و تاج مدوری در میان چهار میل کوتاه و بلند قرار داشت که از مهم‌ترین عناصر تزئینی و شاخصه بصری بنا به شمار می‌رفتند.



دروازه خراسان تهران دوره قاجار

شباهت آشکار میان دروازه خراسان و دروازه شاه عبدالعظیم (چه از نظر کارکرد زیارتی و چه از نظر الگوی تزئینی) نشان می‌دهد که در دستگاه بازنمایی دروازه‌های ناصری، هویت مذهبی نیز، همچون هویت سلطنتی، زبان بصری مشخصی داشته است.

۳-۴. دروازه‌های اقتصادی: قزوین و گمرک

الف) دروازه قزوین مهم‌ترین ورودی غربی تهران و یکی از شاخص‌ترین دروازه‌ها از نظر وجهه رسمی و شهری بود. ورود کاروان‌ها، مسافران اروپایی و همچنین برگزاری آیین استقبال از نمایندگان خارجی در پیرامون آن، به این دروازه نقشی فراتر از یک ورودی معمولی می‌داد و آن را به یکی از نخستین نمادهای تصویری پایتخت قاجاری تبدیل می‌کرد. از نظر معماری، هماهنگی میان عناصر تزئینی و میل‌های دروازه، جلوه منسجم و چشم‌نوازی ایجاد کرده بود. تزئینات آن را می‌توان بازتابی از سلیقه معماری و تزئینی مکتب تهران در اواخر دوره قاجار دانست؛ به گونه‌ای که دروازه، علاوه بر کارکرد شهری، تصویری از شکوه و توسعه‌یافتگی پایتخت ارائه می‌کرد.



دروازه قزوین تهران دوره قاجار

ب) دروازه گمرک در غرب تهران قرار داشت و یکی از مسیرهای اصلی ورود کاروان‌های تجاری از قزوین به دارالخلافه بود. از این رو، علاوه بر نقش ارتباطی، با فعالیت‌های اقتصادی و ورود کالاهای اروپایی به شهر نیز ارتباط مستقیم داشت و کاروان‌ها پس از پرداخت مالیات از این مسیر به کاروانسراهای پیرامون بازار می‌رسیدند. از نظر معماری، این دروازه برخلاف برخی دروازه‌های پرزرق و برق تهران، ظاهری ساده داشت. مهم‌ترین عنصر تزئینی آن، سنتوری با کنگره‌های پیرامونی بود که به نمای بنا هویت می‌بخشید. بنابراین، می‌توان معماری آن را نمونه‌ای از سادگی در کنار تأکید محدود بر سردر ورودی دانست.



دروازه گمرک تهران دوره قاجار

تفاوت میان تزئینات پرشکوه دروازه قزوین (به عنوان دروازه استقبال از هیئت های خارجی) و سادگی نسبی دروازه گمرک (با کارکردی عمدتاً اداری و مالیاتی) نشان می دهد که حتی در میان دروازه هایی با کارکرد اقتصادی مشترک، تفاوت در نقش تشریفاتی می توانست به تفاوت در سطح تزئینات بینجامد.

۴-۴. دروازه های ارتباطی و حاشیه ای: دولاب، یوسف آباد، غار و خانی آباد

الف) دروازه دولاب در شرق تهران و جنوب دروازه دوشان تپه قرار داشت و در مقایسه با دیگر دروازه های اصلی، اهمیت ارتباطی و شهری کمتری داشت؛ زیرا در مسیر فرعی و کم اهمیتی قرار گرفته بود. به همین دلیل، معماری آن نیز فاقد شکوه و تأکیدات بصری دروازه های مهم تر بود و احتمال دارد ساخت آن بیشتر با هدف ایجاد تقارن در ساختار شهری صورت گرفته باشد. از نظر معماری، این دروازه دارای دهانه ای نسبتاً گشاد و ساده بود و تزئینات آن نیز بسیار محدود و کم پیرایه به نظر می رسید. پوشش تزئینی بنا عمدتاً از کاشی معرق و کاشی معقلی تشکیل شده بود که سراسر بدنه دروازه را می پوشاند.

ب) دروازه یوسف آباد در پهلوی شمال غربی دارالخلافه و در محله دولت قرار داشت و راه ارتباطی شهر با آبادی یوسف آباد بود. این دروازه از نظر تزئینات با کاشی های هفت رنگ و معقلی آراسته شده بود و بر فراز آستانه آن یک جفت مناره کوتاه قرار داشت. با توجه به تصاویر به جای مانده، ساختار این دروازه در مقایسه با دیگر دروازه های تهران ساده تر بود؛ موضوعی که می تواند با جایگاه یوسف آباد و میزان رفت و آمد آن مرتبط باشد. حتی می توان احتمال داد که ساخت این دروازه، بیش از آنکه برآمده از اهمیت ارتباطی آن باشد، در راستای تکمیل ساختار دوازده گانه دروازه های حصار ناصری و ایجاد نظم و قرینگی در ساختار ورودی های شهر صورت گرفته باشد.^{۱۸} دروازه یوسف آباد در محل امروزی خیابان حافظ، چهارراه کالج، مقابل مدرسه البرز قرار داشت.



دروازه یوسف آباد تهران دوره قاجار

ج) دروازه غار در جنوبی ترین بخش تهران و در محدوده ای کم رونق، در مجاورت کوره های آجرپزی و زمین های گود قرار داشت و از نظر رفت و آمد اهمیت چندانی نداشت. با وجود موقعیت حاشیه ای آن، معماری دروازه غار در مقایسه با دروازه یوسف آباد جلوه و اهمیت بیشتری داشت. همچنین، احتمال توجه رجال و مالکان آن دوره به این بخش از شهر برای توسعه ساخت و ساز مطرح بوده است؛ هرچند روند بعدی توسعه تهران نشان داد که گسترش شهر عمدتاً به سمت شمال صورت گرفت.



دروازه غار تهران دوره قاجار

د) دروازه خانی آباد در جنوب غربی تهران قرار داشت و از نظر موقعیت و ساختار، همتای دروازه غار به شمار می رفت؛ به گونه ای که می توان احتمال داد این دو دروازه با هدف ایجاد تقارن در ساختار ورودی های جنوبی شهر طراحی

شده بودند. این دروازه در امتداد خیابان خانی‌آباد قرار داشت؛ محوری که از میان مزرعه‌های جنوب‌غربی عبور می‌کرد و پس از گذر از محله‌های جدیدتر، به باغ معیرالممالک می‌رسید. بنابراین، اهمیت آن بیشتر در ارتباط دادن حاشیه جنوب‌غربی با بخش‌های داخلی و باغ‌های پیرامون تهران بود.



دروازه خانی‌آباد تهران دوره قاجار

۵. نظام تزئینی دروازه‌ها و بازنمایی قدرت

۵-۱. کاشی‌کاری، کتیبه و تکنیک‌های اجرایی

در دوره ناصری، دروازه‌های تهران از نظر شیوه کاشی‌کاری و مضمون تزئینات، نسبت به دوره‌های پیشین دچار تحول شدند. استفاده هم‌زمان از تکنیک‌های کاشی معرق، معقلی و به‌ویژه هفت‌رنگ، امکان شکل‌گیری نقوش و کتیبه‌های متنوع‌تری را فراهم کرد. در این میان، کتیبه‌های نستعلیق و صحنه‌های روایی و حماسی، مانند نبرد رستم و دیو سپید، از عناصر شاخص کاشی‌کاری دروازه‌های این دوره بودند.

به نظر می‌رسد، رونق دوباره کاشی‌کاری در دوره قاجار، در پی احیای بناهای تاریخی و گسترش ساخت‌وسازهای حکومتی و عمومی، زمینه را برای تحول تزئینات معماری تهران فراهم کرد. حضور کاشی‌کاران برجسته در پایتخت نیز

موجب شد تهران به یکی از مراکز مهم تولید و اجرای کاشی کاری تبدیل شود. بنابراین، تزئینات دروازه‌های ناصری را می‌توان بخشی از جریان گسترده‌تر رونق هنر کاشی کاری و شکل‌گیری زبان تزئینی متمایز معماری قاجاری دانست.



نمونه‌هایی از کاشی کاری معقلی دروازه‌های تهران در دوره قاجار^{۱۹}

۲-۵. نقوش حماسی و مضامین مذهبی

دروازه‌های جدید «حصار ناصری» از نمونه‌های شاخص معماری قاجار بودند که در کنار کارکرد ارتباطی، با بهره‌گیری از آجر، کاشی و نقوشی چون شیر و خورشید و صحنه‌های شاهنامه، واجد ویژگی‌های نمادین و فرهنگی نیز بودند.^{۲۰} این تزئینات نشان می‌دهد که دروازه‌ها تنها عناصر عملکردی شهر نبودند، بلکه بخشی از فرهنگ و هویت بصری تهران را بازنمایی می‌کردند. در کنار مضامین حماسی، مضامین مذهبی (به ویژه در دروازه‌های شاه‌عبدالعظیم و خراسان) بخش

۱۹- کیانوش معتقدی؛ دروازه‌های طهران قدیم، ص ۲۹

۲۰- فاطمه ذوالفقاری و مهران هوشیار؛ «تأثیر فرهنگی-اجتماعی کاشی‌نگاره‌های دروازه‌ها و سردهای عصر قاجار تهران»

دیگری از این زبان تصویری را شکل می‌دادند؛ به گونه‌ای که هر دروازه، متناسب با کارکرد غالب خود (سلطنتی، مذهبی یا اقتصادی)، ترکیبی متفاوت از این نقوش را به نمایش می‌گذاشت.

۳-۵. میل‌ها، ستوری، تقارن و شکوه معماری

بررسی تطبیقی دروازه‌های دوازده‌گانه ناصری نشان می‌دهد که میل‌های افراشته و ستوری مطبق، از عناصر تکرارشونده در دروازه‌هایی با کارکرد سلطنتی و تشریفاتی (دولت، دوشان‌تپه، شمیران) بودند، درحالی‌که در دروازه‌های حاشیه‌ای (دولاب، غار) این عناصر یا حذف می‌شدند یا با سادگی بیشتری اجرا می‌شدند. این تفاوت، مؤید مؤلفه «تمایزگذاری» در بازنمایی قدرت است؛ یعنی شدت به‌کارگیری عناصر معماری نمایشی، مستقیماً با جایگاه کارکردی و تشریفاتی هر دروازه در ساختار شهر و حکومت متناسب بود.

۴-۵. تفاوت جبهه داخلی و خارجی

نمونه دروازه شمیران نشان داد که در بسیاری از دروازه‌های تهران ناصری، جبهه خارجی (یعنی نمایی که مسافر و واردشونده به شهر نخست با آن مواجه می‌شد) با تأکید بیشتری تزئین می‌شد، درحالی‌که جبهه داخلی از تزئینات کمتری برخوردار بود. این الگو را می‌توان نشانه‌ای از آن دانست که کارکرد بازنمایانه دروازه، بیش از آنکه معطوف به ساکنان شهر باشد، معطوف به مواجهه نخستین بیگانه، زائر، بازرگان یا سفیر با پایتخت بود؛ لحظه‌ای که در چارچوب نظریه لوفور می‌توان آن را نقطه تلاقی فضای تصور شده (ادعای حکومت) و فضای زیسته کاربر تازه‌وارد دانست.

۶. نمادشناسی و بازنمایی هویت

به طور کلی، دروازه‌های شهر مکان‌های نمادینی بوده‌اند که جلوه‌ها و ویژگی‌های

خاص هر شهر را به نمایش می‌گذاشتند. دروازه در گذشته نمادی بر وضعیت اجتماعی شهر به شمار می‌آمده^{۲۱}، که می‌توانست از طریق المان‌ها و نمادهای گوناگون، فرهنگ و سنت جامعه را نمایندگی کند. قرارگیری دروازه‌ها در مسیر ورود و خروج شهر و مواجهه مداوم مردم و مسافران با آن‌ها، موجب می‌شد فرم و تزئینات این بناها در ذهن مخاطب ماندگار شود؛ از این رو، می‌توان دروازه‌های ناصری را نه تنها بخشی از ساختار کالبدی تهران، بلکه عنصری مؤثر در شکل‌گیری حافظه بصری شهر دانست.

عموماً عناصر تزئینی به کار رفته در بناها، بازتاب‌دهنده علایق فردی و اجتماعی و همچنین سنت‌های جامعه محسوب می‌شود و کاربرد نقش‌ونگارها در تاریخ ایران همواره بر پایه‌ای پیش‌آگاهانه، در جهت ترویج پیام به جامعه، شکل گرفته است. بر این اساس، نقوش و تزئینات دروازه‌ها را می‌توان نوعی زبان بصری دانست که مفاهیم فرهنگی، تاریخی و اجتماعی دوره قاجار را منتقل می‌کرد. دروازه‌های ناصری نیز به عنوان بخشی از ساختمان‌هایی با معماری و تزئینات زیبا، مزین به نمادها و اسطوره‌هایی است که از دیدگاه یونگ، ریشه در باورها و اعتقادات مردم دارد^{۲۲} و بیانگر شیوه تفکر، اعتقادات و شرایط اجتماعی در یک دوره تاریخی است. بنابراین، تزئینات این دروازه‌ها را می‌توان فراتر از آرایه‌های معماری، ابزاری برای بازنمایی هویت و انتقال معنا در فضای شهری دانست. گفتمان نقش به کار رفته در تزئینات هر سردر را می‌توان همچون پیامی از سوی سازنده یا کارفرمای آن محسوب کرد و آن را خواند و فهمید.^{۲۳}

۷. نتیجه‌گیری

بررسی سیر تحول دروازه‌های تهران از «حصار تهماسبی» تا «حصار ناصری»

۲۱- پی‌یر فون مایس؛ عناصر معماری از صورت تا مکان، ص ۱۸۲

۲۲- کارل گوستاو یونگ؛ انسان و سمبول‌هایش

۲۳- کاظم افرادی؛ «شناسایی وجه اشتراک پیام موجود در سردر هفت بنای عمومی دوره قاجار از طریق تحلیل گفتمان نقوش به کار رفته در آن‌ها»

نشان می‌دهد که این بناها در آغاز عمدتاً کارکردی دفاعی و کنترلی داشتند و در نظام حرکتی و امنیتی شهر جای می‌گرفتند. با تثبیت سیاسی حکومت قاجار و تبدیل تهران به دارالخلافه، نقش دفاعی دروازه‌ها به تدریج کم‌رنگ شد و در عوض، ابعاد نمایشی، ارتباطی و نمادین آن‌ها برجسته‌تر گردید.

بر پایه چارچوب نظری تولید فضای لوفور، دروازه‌های ناصری هم‌زمان در سه سطح فضای ادراک شده (کالبد و موقعیت فیزیکی)، فضای تصور شده (ادعای سیاسی حکومت مبنی بر معرفی تهران به عنوان پایتخت سلطنتی) و فضای زیسته (تجربه متکثر زائر، بازرگان، سفیر و مسافر) عمل می‌کردند. از منظر نشانه‌شناسی اکو نیز، عناصری چون کاشی‌کاری، کتیبه، نقوش حماسی و مذهبی، میل‌ها و سنتوری‌ها را نمی‌توان صرفاً تزئیناتی فرمی دانست؛ این عناصر نشانه‌هایی بودند که پیامی سیاسی، مذهبی یا اقتصادی را به مخاطب دروازه منتقل می‌کردند.

تحلیل تطبیقی دوازده دروازه «حصار ناصری» بر مبنای پنج مؤلفه کنترل، مکان، معماری، تصویر، و تمایزگذاری نشان داد که شدت بازنمایی قدرت در هر دروازه، متناسب با جایگاه کارکردی آن بود: دروازه‌های سلطنتی و تشریفاتی (دولت، دوشان‌تپه، باغ‌شاه و شمیران) بیشترین تراکم عناصر تزئینی و نمایشی را داشتند؛ دروازه‌های مذهبی (شاه‌عبدالعظیم، خراسان) زبان تصویری متمایزی متناسب با کارکرد زیارتی خود به کار می‌بردند؛ دروازه‌های اقتصادی (قزوین، گمرک) میان کارکرد تجاری و وجهه تشریفاتی نوسان داشتند؛ و دروازه‌های حاشیه‌ای (دولاب، یوسف‌آباد، غار، خانی‌آباد) با کمترین سطح تزئینات، بیشتر در خدمت تکمیل نظم و تقارن هندسی حصار دوازده‌دروازه‌ای عمل می‌کردند.

بر این اساس، می‌توان گفت دروازه تهران ناصری دیگر تنها نشانگر مرز کالبدی میان درون و بیرون شهر نبود؛ بلکه به رسانه‌ای بصری بدل شده بود که پیام ورود به پایتخت سلطنتی ایران را، از طریق کنترل، مکان، معماری، تصویر، و تمایزگذاری، به هر واردشونده منتقل می‌کرد. مطالعه عمیق‌تر بقایای این دروازه‌ها (به‌ویژه دروازه محمدیه که تا امروز برجای مانده) و مقایسه آن با نظام‌های ورودی شهری در سایر پایتخت‌های اسلامی و اروپایی معاصر آن، می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی قرار گیرد.

منابع

- افرادی، کاظم، «شناسایی وجه اشتراک پیام موجود در سردر هفت بنای عمومی دوره قاجار از طریق تحلیل گفتمان نقوش به کار رفته در آن‌ها»، فصلنامه علمی-پژوهشی نگره، دوره ۱۱، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۵، ۴۸-۳۳.
- جوادپور، آیلار؛ نژادابراهیمی، احد؛ بیتی، حامد، «معماری دروازه در استحکامات دفاعی برج و باروی شهرهای ایران»، نشریه علمی باغ نظر، سال بیستم، شماره ۱۲۸، زمستان ۱۴۰۲، ۳۸-۲۷.
- حاج‌یاسینی، هاله؛ ارژمند، محمود، «دروازه‌های تهران در حصار تهماسبی»، نشریه معماری و شهرسازی، سال پنجم، شماره ۹، زمستان ۱۳۹۱، ۱۲۹-۱۰۵.
- ذوالفقاری، فاطمه؛ هوشیار، مهران، «تأثیر فرهنگی-اجتماعی کاشی‌نگاره‌های دروازه‌ها و سردرهای عصر قاجار تهران»، فصلنامه رهپویه هنرهای صناعی، سال اول، شماره ۱، پائیز ۱۴۰۰، ۳۲-۱۹.
- سلطان‌زاده، حسین، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴.
- فون مایس، پی‌یر، عناصر معماری از صورت تا مکان، ترجمه فرزین فردانش، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
- قبادیان، وحید، معماری در دارالخلافة ناصری؛ سنت و تجدد در معماری معاصر تهران، تهران: انتشارات پشتون، ۱۳۸۴.
- معتقدی، کیانوش، دروازه‌های طهران قدیم، تهران: انتشارات پیکره، ۱۳۹۵.
- معتمدی، محسن، جغرافیای تاریخی تهران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- یونگ، کارل گوستاو، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، تهران: انتشارات جامی، ۱۳۷۷.

- Eco, Umberto. "Function and Sign: The Semiotics of Architecture". In G. Broadbent, R. Bunt, & C. Jencks (Eds.),

Signs, Symbols, and Architecture. Chichester: John Wiley & Sons, ۱۹۸۰.

- Lefebvre, Henri. *The Production of Space* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Oxford: Blackwell, ۱۹۹۱.

برآمدن قاجار

تاریخ ایران از پایان عصر صفوی
تا قتل آقامحمدخان قاجار



نگارستان اندیشه؛ ناشر تخصصی حوزه علوم انسانی
سال انتشار: ۱۴۰۴ شمسی نویسنده: غلامحسین زرگری نژاد

«برآمدن قاجار» اثر دکتر غلامحسین زرگری نژاد، جلد نخست از مجموعه‌ای درباره تاریخ ایران عصر قاجار است که تحولات کشور را از پایان صفویه تا قتل آقامحمدخان قاجار بررسی می‌کند. نویسنده با تکیه بر منابع و شواهد تاریخی، به‌ویژه انگیزه‌های آقامحمدخان در بنیان‌گذاری حکومت قاجار، نقش او در تجدید وحدت ارضی و بازایی اقتدار ایران و نیز سیاست‌ها و اقدامات خشونت‌آمیزش را تحلیل می‌کند. اهمیت این کتاب در رویکرد تحلیلی آن است؛ چراکه فراتر از روایت وقایع، زمینه‌های سیاسی و تاریخی ظهور قاجار و شکل‌گیری تحولات بعدی ایران را بررسی می‌کند. از این رو، «برآمدن قاجار» اثری ارزشمند برای شناخت یکی از مهم‌ترین دوره‌های گذار و تحولات سرنوشت‌ساز تاریخ ایران است.